جواب به صاحب حدائق و پذیرش تواتر

- الف) تواتر امری عقلانی است و شیعه و سنی نمی شناسد
- ب) وجود ادعای اجماع و تواتر در میان شیعه

الف) تواتر امری عقلانی است و شیعه و سنی نمی شناسد

حال ببینید من در اینجا شماره گذاشته‌ام. اول اینکه اگر تواتر ثابت شود، مشکلی ندارد. من شما را ارجاع می‌دهم به رساله شیخ مفید. در نرم‌افزار دو رساله راجع به غیبت امام عصر علیه‌السلام هست. این دو رساله، خیلی خوب است. مرحوم مفید در آن جا می‌گوید که روایات امامیه متواتر است در اینکه در امت اسلامیه بشارت به ظهور داده شده، حضرت مهدی ظهور می‌کنند، این روایات متواتر است. بعد اشکال می‌کنند که تواتر نزد امامیه که نزد سنی ها فایده‌ای ندارد. شیخ مفید جواب درست و منطقی می‌دهند و می‌گویند اگر تعریف تواتر صادق باشد، یعنی نگاه که می‌کنیم می‌بینیم که تبانی بر کذب نکرده‌اند؛ یمتنع تواطئهم علی الکذب، تواتر ثابت است؛ چه شیعه باشد ای سنی، چه کمونیست باشد، حتی ملتی باشند که اساس فرهنگشان بر دروغ باشد، یعنی اگر از شب تا صبح هزاران دروغ نگویند صبحشان شب نمی‌شود؛ می‌توانیم تواتر منطقی را بین همین ملتی که فرهنگشان دروغ است، پیدا کنیم. کجا؟ درجایی‌که ولو دروغ گو هستند اما با قرائن می‌فهمیم که تواطی بر دروغ نمی‌شود؛ یمتنع. می‌بینیم که نمی‌شود بر دروغ تبانی کنند. از چپ و راست خبر می‌آید. البته یک بخش مهمی از انواع تواتر هنوز مانده است. در جلسه‌ای که برای تواتر استقبالی مثال‌هایی زدم، روشن می شود که چطور تبانی نمی‌شود.

شیخ مفید می‌گوید اگر امامیه تواتر داشته باشند، تواتر تواتر است، نمی‌توانید بگویید من سنی قبول ندارم، چرا؟ می‌گویید اگر بگویید من ـ سنی تواتر شمای شیعه را قبول ندارم، مسیحی هم می‌گوید که من هم تواتر شما مسلمانان را قبول ندارم. شما می‌گویید پیامبری آمده و متواتر است، اما او می‌گوید من از کجا بدانم؟! اعتقادات مسلمانان و دینشان اقتضاء می‌کرده که بگویند پیامبری مبعوث شده، اما من اصلاً قبول ندارم که این پیامبر مبعوث شده باشد. شیخ مفید می‌گوید تواتر که ربطی به اقوام ندارد. تواتر یک ملاک منطقی دارد؛ یمتنع تواطئهم علی الکذب؛ اگر این آمد، تمام است. پس این حرف شیخ مفید است که شما نمی‌توانید بگویید اگر این تواتر باشد، برای سنی ها است. اگر بگویید تواتر نیست، موضوع را انکار کرده‌اید. نه اینکه بگویید «ان ثبت التواتر فانما هو من طریق العامه». تواتر یعنی تبانی بر کذب محال است. وقتی محال است که دیگر مهم نیست گوینده چه کسی است. این اول.

ب) وجود ادعای اجماع و تواتر در میان شیعه

نکته دوم؛ آیا واقعاً به این صورت است که این تواتر از طریق اهلسنت است؟ مرحوم آقای حکیم جواب اینها را دادند. شما اجماعی را که شیخ الطائفه میگویند ببینید؛ ایشان میگویند «اجمعوا علی جواز القرائة علی ما جاز بین القراء». این اجماع برای سنی ها است؟ یا برای بستر زندگی خود شیعه است؟! خود بستر شیعه به این صورت بود که «کرهوا تجری القرائة». شیخ اینها را فرمودند. من چند نمونه را در اینجا یادداشت کردهام. ادعای تواتر را سنی ها کردهاند؟! نه، وقتی شهید اول در ذکری بهعنوان فقیه الشیعه میگویند: ای شیعه تو میتوانی عشر را تلاوت کنی، چرا؟ «لثبوت تواتر العشر». این عبارت ذکری است. شهید اول این ادعای تواتر را ندارند؟! شیخ انصاری در رسائل ندارند که شهید اول ادعای تواتر کردهاند؟! خب شهید اول عامه است؟! دارند از عامه میگویند؟! عدهای میگویند که شهید سهو القلم کردهاند! یا متأثر از سنی ها هستند! به به! یعنی شهید اول به همین راحتی متأثر از عامه شدند و در کتاب فقه شیعی میگویند که جایز است که عشر را بخوانی؟! یک حرفهایی است!

درحالیکه اصلاً به این صورت نیست. نزد آنها فضای روشنی بوده. اصلاً ادعای اجماع را بزرگان علماء امامیه دارند. علامه حلی را ببینید. برای ادعای سبع این را دارند. عشر را قبول ندارد؛ محقق اردبیلی هم عشر را قبول ندارند. اما همه اینها سبع را قبول دارند. یعنی اینها مدعی نیستند؟! مدعی ثبوتش هستند، اگر ثابت نبود که بهدنبال آن نمی رفتند. پس این ادعا برای آنها نیست.

در جمیع رواة، مطرح است؛ شما روایات شیعه را ببینید؛ تعدد قرائات و امثال اینها که میآید، در بستر تاریخ شیعه مطرح است. علامه مجلسی در بحارالانوار وقتی به «ملک» و «مالک» رسیدند،

چه فرمودند؟ فرمودند: «و في أخبارنا ورد القراءتان و إن كان مالك أكثر[1]». ایشان میفرمایند

«اکثر». بعد هم میفرمایند ترجیح با این است. مرحوم محدث نوری در فصل الخطاب[2] برعکس این را میگویند. ایشان میگویند «مالک» مرجوح است و «ملک» راجح است. جالب است که همان چیزی که مرحوم اراکی گفتند دغدغه هست، مرحوم محدث نوری در فصل الخطاب میگویند قرائت درست، «ملک» است. این قدر تفاوتهای ذهنیت حاصل میشود. پس اینکه بگویند تواتر برای اهلسنت است، درست نیست. وقتی بهدنبال فضا، میروید میبینید که یک فضای مشترک است.

مرحوم نوری گفتند، مگر در واضحات اختلاف نکردهاند؟! پیامبر هر روز وضو میگرفتند، اما الآن او پایش را میشوید و دیگری مسح میکند! هر روز اذان میگفتند، او میگوید «حی علی خیر العمل» اما دیگری میگوید «الصلاه خیر من النوم»! در واضحات اختلاف کردند.

خب اگر در واضحات اختلاف کردند که نظر شیعه معلوم است. شیعه میگوید اگر پا را بشویی نمازت باطل است. جزء واضحات شیعه است. هر موضع محل ابتلائی که محل اختلاف شده و دستگاه دخالت کرده، رای اهل البیت روشن است. اما اینجا چه شد؟ در اینجا برعکس است، اجماع دارند بر قرائات و «کرهوا تجری القرائة». حتی وقتی ائمه فرمودند «نحن نقرأ علی قرائة ابی»، شیعه می گفته که نه، فرق نگذارید. علامه مجلسی در ملاذ الاخیار به شیخ الطائفه ایراد گرفتند.

می‌گویند جناب شیخ شما می‌خواهید با یک روایت بگویید «ارجِلکم» درست است، نه «ارجَلکم». علامه مجلسی به ایشان ایراد گرفته‌اند. گفته اند اجماع شیعه این است که جایز است همه این قرائات متواتره را بخوانیم. شما می‌خواهید با یک خبر واحد جلوی اجماع شیعه را بگیرید؟! نمی‌شود. ولذا می‌گویند که ایشان تایید گفته‌اند.

لذا در چنین فضایی شیعه همراه بوده‌اند، نه اینکه وقتی اختلاف شد، در یک امر محل اختلاف، حرف خودشان را بزنند. شیعه کاملاً معیت کرده است. تفاوت راه این است. مدام نگویید پایشان را می‌شویند و اختلافات زیاد بوده، ببین مخفی شده؟ جایی که مخفی شده نظر شیعه آشکار است. اینجا اگر شما می‌گویید مخفی شده پس باید دو نماز بخوانید. در البیان و در کتابها بگویید چراهای نداریم، اشتغال یقینی برائت یقینی می‌خواهد، چون نمی‌دانیم سوره حمد «ملک» ای «مالک» است، دو نماز می‌خوانیم! خروجی کار این شد؟! چطور شیعه با اینکه تا قرن دهم این همه سوره حمد را خواندند، نفهمیدند، اما بعد از اینکه این حرفها داغ شد که یکی از آنها درست است، حالا می‌گوییم کدام یک از آنها درست است؟! پس باید دو نماز بخوانیم. در کتابهای فقهی شیعه قبل از قرن دهم یک نفر پیدا کنید که بگوید احتیاطا دو نماز بخوانید؛ احتیاطا دوبار بخوانید. نبود. زدن آنها قطعی بود که هم «ملک» درست است و هم «مالک». در این رکعت «ملک» بخوان و در رکعت دیگر «مالک». علامه حلی فرمودند: «مجز بالخالف»؛ بالخالف درست است که این قرائات را بخوانند.

شاگرد: اسم کتاب شیخ مفید چه بود؟

استاد: کتاب الغیبه، در نرم‌افزار کلام هست. در آن جا می‌گویند اگر بگویید این تواتر زدن امامیه فایده‌ای ندارد و آن تواتر تنها برای خودشان خوب است، می‌گویند تواتر، تواتر است. تواتر یعنی آنی که نیاز به سند ندارید. اگر کفار هم باشند اما متواتر باشند و «یمتنع تواطئهم علی الکذب»، مشکلی ندارد. در تواتر که سراغ سند نمی‌رویم تا ببینیم فاسق ای عادل است. تواتر اصلاً نیازی به سند ندارد.

شاگرد: دو رساله چه بود؟

استاد: دو رساله دارند. در یکی از آن رساله‌ها این را می‌فرمایند. دو رساله از شیخ مفید هست که هر دوی آنها راجع به غیبت امام علیه‌السلام است. در یکی از آن دو رساله این را مطرح کرده‌اند. اگر یکی از آنها را دیدید، نگویید نبود. دو رساله است که در یکی از آنها این تواتر را مطرح کرده‌اند.

---

[1]بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج۸۲، ص: ۲۲

[2]الشيعة والقرآن (ص: ۱۶۸)